

مصاحبه‌ی "کمیته جوانان بلژیک" با رفیق "میگونل رایوس میراندا" از سازماندهندگان تظاهرات 11 آوریل شیلی

خیابان‌های سانتیاگو در اشغال دانشجویان و دانش‌آموزان؛



پرسش: درود رفیق میگونل. بابت برگزاری تظاهرات موفق و رادیکال چند روزی اخیر در شیلی به‌ویژه تظاهرات 11 آوریل به شما و تمام تظاهرکنندگان تبریک و خسته نباشید می‌گوییم. دیدن صحنه‌های مبارزاتی و مارش جوانان در شیلی بسیار شورانگیز بود و انرژی تازه‌ای به ما داد. بحث پیرامون اخبار این مبارزه میان رفقای کمیته‌ی جوانان بلژیک با استقبال زیادی روبرو شد و مشتاقانه منتظر ادامه‌ی مبارزه و نتایج آن هستیم. لطفاً به‌هر شکلی که امکانش وجود دارد مختصراً خودتان را معرفی کرده و یک شمای کلی از این مبارزه به ما ارائه دهید.



میگونل: من میگونل هستم (نام مستعار)، یکی از ده‌ها دانشجوی اخراجی و نماینده‌ی یکی از گروه‌های کمونیست که به‌همراه گروه‌های دیگر از سازماندهندگان اعتراضات است. صحبت ما باهم قطعاً از دریچه‌ی مواضع و مشاهدات من خواهد بود و احتمالاً در تماس با دیگر نمایندگان به‌ویژه آنارشویست‌ها، نکات دیگری یا اظهارنظرهای متفاوتی را خواهید شنید (لبخند).



در مورد این تظاهرات باید بگویم که مبارزات جانانه‌ی آوریل 2013 محصول یک دوره تدارک نزدیک به دوساله است و به پشتوانه‌ی مبارزات چندساله‌ی اخیر سازماندهی شد. این مبارزات با سازماندهی کامل از سوی تمام نیروهای فعال انجام شد و به‌هیچ عنوان مطابق خبررسانی بی‌بی‌سی، سی‌ان‌ان و فاکس-نیوز و ... یک حرکت خودبخودی و فوران خشم کور دانشجویان در برابر افزایش هزینه‌ی تحصیلی و رفم‌های آموزشی نبود. این مارش بزرگ که حتی در تلویزیون دولتی شیلی نیز اعلام شد که بزرگترین تظاهرات ضددولتی در دو



دهه‌ی اخیر در شیلی بود، بعد از چند روز تظاهرات در شهرهای مختلف، با شرکت بیش از 200 هزار دانشجو، دانش‌آموز، کارگر و ... در سانتیاگو برگزار شد. ما از حدود دو سال قبل کمپینی را بر علیه رفم‌های آموزشی دولت و تبعیض سرمایه‌دارانه سازماندهی کردیم که امروزه گسترده‌ی آن شهرهای بزرگ شیلی را پوشش می‌دهد. گروه‌ها و احزاب سیاسی دولتی و غیردولتی بارها این اعتراضات را به نام خود و به نوعی فعالیت بازوی جوانان خود اعلام کردند، اما واقعیت چیز دیگری بود و کماکان نیز چیز دیگریست! تقریباً تمام سازمان‌های جوانان احزاب رادیکال غیردولتی و برخی تشکلات حزب کمونیست شیلی و گروه‌های مختلف آنارشویست در این کمپین نقش گرفتند، خود من نیز عضو یکی از احزاب غیرقانونی هستم، اما واقعیت اینست که این کمپین تبدیل به بلوکی شد که سیاست‌گذاری آن توسط سطحی کاملاً مخفی از سازماندهندگان کمونیست و آنارشویست انجام می‌شود و بخش علنی و امور اجرایی، حاصل تلاش فعالین جوان تمام جریان‌ها و معترضین خشمگین است. ما شاهد حضور افراد و گروه‌هایی که نه دانش‌آموز و نه دانشجو هستند نیز در صفوف خود هستیم. صبر، همدلی و اتحاد این نیروها سطح یک مبارزه‌ی عادلانه را آن‌چنان ارتقا داده است و رادیکالیسم این جنبش به حدی افزایش یافته که انتخابات نوامبر 2013 را تحت‌الشعاع قرار داده است. از هم اکنون نمایندگان رئیس‌جمهور فعلی (سباستین پینرا) و نمایندگان احزاب دولتی در پی کسب مشروعیت در میان صفوف ما هستند. وزیر کشور



نیز در مصاحبه با فاکس نیوز تلویحاً به این نکته اشاره کرده بود. پرسش: رفیق، شما از یک کمپین دوساله و مبارزات سالهای اخیر گفتید، به صورت کلی چه گرایشاتی در جنبش دانشجویی شیلی و در این کمپین موجود هستند؟

میگوئیم: بهتر است سؤال را اینگونه پاسخ دهم که چه تقسیم‌بندی در جنبش دانشجویی که در واقع "جنبش دانش‌آموزی - دانشجویی" است، وجود دارد و سپس بحث در مورد این کمپین راحت‌تر خواهد بود. جنبش دانشجویی شیلی از دیرباز نوک پیکان مخالفت و مبارزه با دیکتاتوری حاکم بر شیلی و دولت‌های آمریکایی حاکم بر آن بوده و با مرور تاریخچه‌ی مبارزاتی آن، از قربانیان زیادی چه کمونیست و چه آنارشویست می‌توان نام برد. نقش دانشجویان در دوران آلنده و کودتای پینوشه و دهه‌های بعدی غیرقابل انکار است. تنها جنبشی که در دوران خفقان آرام نشد و کماکان رزمنده و روشنفکر به جامعه ارائه داد، جنبش دانشجویی بود.

این جنبش از قدیم به دو بخش اصلی و کاملاً مجزا تقسیم شده است: بخش اول اقلیتی از طبقه‌ی مرفه و اقتدار غنی جامعه هستند که عمدتاً دولت از آن‌ها حمایت می‌کند و آن‌ها نیز همراهان سازمان یافته‌ی سیاست‌های آموزشی و اجتماعی دولت هستند. این بخش در سازمان‌های دانشجویی و در مدارس سازماندهی شده؛ و با اجازه‌ی دولت امکان برگزاری سمینار و ... در حمایت از طرح‌های دولتی را دارند. نیروهای فاشیست و تشکلات ضد مردم بومی جنوب شیلی - خلق مایوچه - از میان این سازمان‌ها شکل می‌گیرند و سالی یکی دوبار

بدون اطلاع‌رسانی در خیابان رژه می‌روند.

بخش دوم که اکثریت دانشجویان و دانش‌آموزان شیلیایی را شامل می‌شود، از اقشار فقیر و متوسط روبرو پایین جامعه هستند و طرح‌های دولتی همیشه به زیان و محرومیت آن‌ها تمام می‌شود. این بخش از تشکلات دولتی محرومند و سنتاً در شیلی به شکل اوتونوم تشکیل شده و با حمایت احزاب و گروه‌های کمونیستی به فعالیت می‌پردازند. از دوران بعد از کودتای پینوشه و به‌ویژه دهه‌ی 90 گروه‌های مختلف آنارشویست نیز خود را گسترش داده‌اند و کلاً ایده‌ی آنارشویسم در اثر افول مبارزات کمونیستی، شکست "راه درخشان در پرو" و فروریختن دیوار برلین و همراهی حزب کمونیست شیلی با دولت؛ تقویت شد. ابتکار عمل فعالیت‌های این بخش جنبش دانشجویی - دانش‌آموزی را کمونیست‌ها و آنارشویست‌ها در دست دارند. هرچند که امروزه و از سال‌های 2006 به این سو گرایشات محیط زیستی، حقوق بشری، حمایت از زندانیان سیاسی و ... از احزاب سنتی و دولتی جدا شده و در جبهه‌ی ما - مخالفین - قرار گرفته‌اند، اما به لحاظ سیاست و نقشه این کمونیست‌ها و آنارشویست‌های جوان هستند که فعالند. به لحاظ سازمان‌یافتگی، آنارشویست‌ها گستره‌ی بیشتری دارند و سپس تشکلات نوین چپ، کمونیستی و برخی تشکلاتی که از سوی احزاب انقلابی و غیرقانونی حمایت می‌شوند قرار دارند. این گستره‌ی گرایشات باعث می‌شود که رسانه‌های بزرگ دولتی - چه داخلی و چه بین‌المللی - نام‌هایی کم خطر و منطبق بر شرایط بحرانی دنیا را برای این مبارزات برگزینند، مانند "انقلاب پنگوئن، زمستان شیلی، جنبش نیاز و ...". اما گروه‌های کمونیستی و برخی آنارشویست‌ها اسامی دیگری را بر روی باندرونها و تراکت‌ها و صفحات اینترنتی خود اعلام می‌کنند که هرچند همه‌گیر می‌شود، اما هرگز از سوی رسانه‌ها اعلام نمی‌شود، نام‌هایی مانند "جنبش شیلی سرخ"، "سرخ و سیاه"، "زاپاتیست‌ها"، "رزم سرخ"، "خلق مسلح" و ... این اسامی در بزرگترین تظاهرات سال‌های 2011 و 2012 بکار رفتند و "خلق مسلح" در تظاهرات اخیر آوریل 2013 به شکلی گسترده و متحدانه از سوی آنارشویست‌ها و کمونیست‌ها و برخی گروه‌های دیگر به عنوان امضای فراخوان‌ها، باندرونها و پلاکاردها استفاده

شد. با این توضیحات راحت است که بگوییم بعد از اعتراضات متعددی که از سوی سازمان ها و گروه‌های مختلف سازماندهی شده بود، در سال 2011 یک مبارزه‌ی متحدانه را به‌پیش بردیم که با همکاری حداکثری آنارشیست‌ها و کمونیست‌ها انجام شد. سپس چون دامنه‌ی این مبارزه به شورش‌های شبانه در محلات فقیر کشیده شده بود، دولت خواهان مذاکره شد. برخی نمایندگان رفرمیست وارد بازی مذاکره با دولت شدند که بی‌نتیجه بود. در همان اوضاع و احوال بود که طرح این کمپین پیش‌گذاشته شد و با استقبال آنارشیست‌ها و اکثر گروه‌های کمونیست قرار گرفت.



پرسش: جنبش دانشجویی در شیلی واقعاً میلیتانت است. همانطور که توضیح دادید؛ در دوره‌های تاریخی مهمی نقش ایفا کرده است. بسیار گفته می‌شود که این اعتراضات فقط صنفی بوده و ربطی به تغییر مناسبات پایه‌ای و اجتماعی ندارد. برخی اظهارنظرها آن را صرفاً مربوط به دانشجویان و دانش‌آموزان دانسته و مرزهای آن را تنگ می‌کنند. حتی بسیاری از کمونیست‌ها، علاقه‌ای به دنبال کردن و انعکاس اخبار مبارزاتی این‌چنینی ندارند، سؤال این است که مبارزات سال‌های اخیر بر چه اساسی شکل گرفته‌اند؟ چه تضادهایی در به‌راه افتادن این جنبش مؤثر بوده‌اند؟



میگوئل: شیلی از قدیم و از زمان تاسیس دانشگاه‌ها در این کشور دارای یک جنبش دانشجویی کاملاً سیاسی و رزمنده است. این خصوصیت جنبش دانشجویی در بسیاری از کشورهاست و نمونه‌های مه 68 در اروپا، سال‌های 60 و 70 در آمریکا، تین‌آن‌من در چین، در شرایط بحرانی در کشور شما ایران و امروزه در شمال آفریقا از این جمله‌اند اما شیلی جز معدود کشورهایی است که فعالین جنبش دانشجویی آن در تحولات تاریخ معاصر این کشور نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. جنبش دانشجویی شیلی در آمریکای لاتین را بعنوان مرکز تربیت کادرهای کمونیست و چریک‌های رزمنده می‌شناسند. پینوشه یک سخنرانی معروف دارد که پیش از آغاز رفرمهای آموزشی آن دوران خطاب به ارتش گفته بود: "اگر مراکز فکرسازی و تامین نیروی چریک‌ها را پاک‌سازی کنید، کنترل محله‌ها و کوهستان‌ها کاری ندارد!". حزب کمونیست پرورشوروی شیلی و حزب سوسیالیست شیلی - حزب آینده - ۸۰ درصد کادرهایشان دانشجویان و اساتید دانشگاه بودند و "جنبش جوانان کمونیست شیلی" که ه نوز به شکل جدی فعال است، محصول دانشگاه هستند. جنبش "میر" که در دهه‌های قبل مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مهمی را در محله‌های



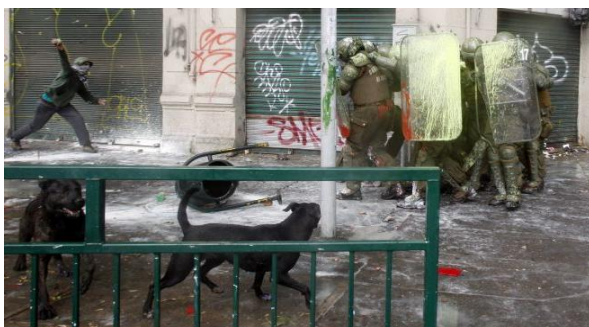
فقیرنشین و کارخانه‌های شیلی سازمان داد، به‌طور مشخص از تشکلات دانشجویی بوجود آمد. احزاب و سازمان‌های نوین امروز هم کماکان از این پایگاه برای ایجاد و تجهیز خود بهره می‌برند. یکی از پایه‌ای‌ترین دلایل محدود کردن تحصیل اقشار فقیر در دانشگاه‌ها نیز همین موضوع است. اقشار فقیر ش یلیایی عمدتاً در دانشگاه کمونیست - و امروزه کمونیست و آنارشیست- شده و سر به شورش برمی‌دارند و متشکل می‌شوند. البته باید باین نکته توجه دهیم که تفاوت مهمی میان جنبش دانشجویی سالهای اخیر در



شیلی با دهه‌های قبل وجود دارد. جنبش دانشجویی و بویژه بخش سازمانده آن که آنارشپیست‌ها و کمونیست‌ها هستند، برعکس دهه‌های 60 و 70 دارای پشتوانه‌ی فکری و لجستیکی احزاب صاحب نفوذ و قوی چپ نیستند. سیاست‌های این نیروها عمدتاً رایج و طرح‌هایشان اکثراً قدیمی هستند و قابلیت بسیج کردن جوانان در برابر طرح‌ها و سیاست‌های راست‌ها را ندارند. اوضاع دنیا و شیلی هم تغییر کرده، و ما مؤلفه‌های جدیدی را در حل تضاد اصلی بورژوازی و پرولتاریا دخیل می‌دانیم. امروزه بخشی از کارگران شیلیایی عضو سندیکاهای راست - بخوانید فاشیست‌ها! - هستند و در برخی مبارزات عامل عدم همراهی سایر کارگران با ما می‌شوند. در برخی خیابان‌های کارگرنشین سانتیاگو که کارگران آن در سندیکای دموکرات-مسیحی متشکل هستند؛ به‌طرف دختران فعال در بخش زنان ما سنگ پرتاب می‌کنند. وضعیت شهر سانتیاگو بعنوان مرکز سنتی اعتراضات نیز بسیار عوض شده؛ بعد از دهه‌ی 70 و متعاقب جاری شدن سیاست‌های نئولیبرالی در شیلی بعنوان اولین مدل این سیاست جهانی زیرساخت‌های شهری سانتیاگو همانند شهرهای بزرگ جهان شده و مراکز صنعتی و در نتیجه کارگران و کارمندان نزدیک سانتیاگو نیستند، کارگاه‌های صنعتی زیادی که در اطراف سانتیاگو بودند و تا دهه‌های قبل محل اصلی تبلیغ و ترویج کمونیست‌ها و جذب نیرو بودند تعطیل و فَنس‌کشی شده‌اند یا تبدیل به مراکز تحت کنترل و خالی از سکنه و کارگاه‌های متروکی شده‌اند که زیر طرح‌های شهری آینده قرار گرفته‌اند، بخش اداری و خدماتی گسترش یافته و شهر سانتیاگو بافت ظاهری نسبتاً تمیز و مرفه‌ی دارد و میلیون‌ها فقیر و توده‌های کارگر در حواشی شهر یا در شهرک‌های نزدیک به سانتیاگو ساکنند که برای رسیدن به مراکز اصلی شهر باید بیش از 2 ساعت زمان بگذارند! مراکز عظیم خرید و مجتمع‌های تفریحی که در اطراف سانتیاگو احداث شده با زهم رجوع فقرا به مراکز اصلی را کمتر و محدودتر می‌کند. از این موارد که بگذریم، موقعیت ضعیف چپ انقلابی در دنیا بر رشد چپ‌ها در شیلی نیز تاثیر زیادی گذاشته است. گرایش‌های غیررزمنده، اتحادهای بدون مرکزیت با شعارهای "بدون رهبر" یا "بدون سلسله مراتب" نیز امروزه در دنیا و در میان اپوزیسیون شیلی دست بالا را دارند و... تمام این موارد نشان می‌دهند که چرا جنبش دانشجویی فعلی در شیلی تفاوت زیادی با گذشته دارد.

یک مورد دیگر که درسه‌های مهمی برای ما کمونیست‌ها داشت این بود که در زمان اشغال اکثر شهرهای بزرگ دنیا توسط "جنبش اشغال" (اکوپای) که یک مبارزه‌ی رزمنده و مهم را با دست تکان دادن‌های سمبلیک به دست جریان رایج سپرد، چنین جنبشی در شیلی پایه نگرفت! هنوز در میان ج و انان و حتی آنارشپیست‌های ضدحزب شیلیایی عنصر سازماندهی و سازمان‌یافتگی و کار مخفی به شدت قوی و مورد توجه است. این مورد برای مبارزه‌ی امروز و آینده‌ی ما اهمیت زیادی دارد. شاید به این لحاظ بتوانیم پیوندی را با دهه‌های قبل ردیابی کنیم که ماهیت دشمن برای مبارزین روشن است و نباید با فعالیت در فضاهای

خودبه‌خودی ایجاد شده در آنها غرق شویم. می‌توان با جرأت گفت که حضور دختران و زنان جوان در مبارزات سال‌های اخیر نیز به نسبت دهه‌های قبل متفاوت است، امروزه بخش‌های مهمی از رهبری مبارزات توسط آن‌ها انجام می‌شود که با دوران قبل تفاوت آشکار دارد. تغییر مناسبات زندگی شهری، مبارزه زنان با مچسیم سنتی در آمریکای لاتین و حضور پُر تعداد دختران در مراکز آموزشی می‌تواند از دلایل این امر باشد. اما به طور قاطع باید گفت که مبارزه‌ی جنبش دانشجویی امروز شیلی دارای مختصات جدیدی و بر بستر تضادهای پیچیده‌تری قرار گرفته است. اگرچه تضاد با سرمایه‌داری بحران‌زده در سطح گلوبال کماکان عمده است اما موضوعاتی در میان هستند که در سطوح بالای دولتی نیز محل نزاع جریان‌ات هستند؛ از جمله همجنس-



گرایان، خلق تحت ستم ماپوچه، ساختارهای آموزشی و محرومیت بخش بزرگی از جامعه از تحصیلات عالی و بیکاری روزافزون جوانان و ... مبارزات سالهای اخیر بر بستر چنین تضادهایی شکل گرفت و تا امروز رشد پیدا کرده است.

پرسش: بعد از این توضیحات و پیشرفت مبارزه بر این اساس، قطعاً شما خواست‌های مشخصی دارید که بیانگر منافع اکثریت دانشجویان و دانش‌آموزان و احتمالاً اکثریت مردم شیلی است. عمده‌ترین مطالبات شما چه هستند؟

میگوئید: پاسخ به این سؤال نیاز به یک مقدمه کوتاه دارد. بعد از اعلام و اجرای برخی رفرم‌های دولتی در سال‌های 2005 و 2006 اعتراضات کور و پراکنده‌ای در دانشگاه‌های سانتیاگو و چند شهر دیگر شکل گرفت که به تدریج و با ارتباطاتی که برقرار شد یک مبارزه بزرگ را رقم زد. این مبارزات و کش و قوس اجرای سیاست‌های رفرم تا 2010 ادامه داشت که دولت بازی مذاکره با نمایندگان دانشجویان را براه انداخت. مانند همه جا نمایندگان خودخوانده و بازوان حزب کمونیست رفرمیست شیلی به پای مذاکره رفتند که بدون نتیجه بود و اعتراضات ادامه پیدا کرد. در این سال بعد از چند ماه کار مداوم و سفرهای مختلف و برقراری ارتباطات گسترده با فعالین موفق شدیم برنامه‌ی بزرگ ماه مه 2011 را برگزار کنیم. سازماندهی این کار کاملاً مخفی بود و توسط آنارشیست‌ها و کمونیست‌های انقلابی و برخی سندیکالیست‌های قدیمی انجام شد. با این روش توانستیم بخشهایی از کارگران، کارمندان و کشاورزان را برای این اعتراض بسیج کنیم. بخش علنی کار ما این بود که با اجازه‌ی پلیس برای ماه مه، تشکیل بلوک‌های مستقل و کارگاه‌های بحث و جدل و ... نیز تدارک ببینیم. عمدتاً نیروهایی که در کار مخفی نبودند یا تمایلی به رادیکالیزه شدن مبارزه نداشتند در این بخش فعال شدند ولی مبارزه را رها نکردند. ما بعد از ماه‌ها بحث با سندیکالیست‌ها و کارگران فعال و مبارز توانستیم بلوک اعتراضی بزرگی شکل دهیم که بسیار فراتر از توان و انتظار ما بود. ما برای خواست تحصیل رایگان، اختصاص بودجه به مراکز آموزشی عمومی و افشای سیاست‌های آموزشی دولت به پای اعتراض رفته بودیم و در نهایت این مبارزه با خواست‌های کارگران و دیگر اقشار گره خورد. ما توانستیم این مبارزات را به مبارزات دانشجویان و کارگران اسپانیایی در میدان خورشید و برخی مبارزات بهار عربی نیز پیوند دهیم. ولی مهمترین حامی بین‌المللی ما جنبش دانشجویی کانادا بود. در بیانیه‌ی نهایی ما بخشی به پیوند انترناسیونالیستی ما با مبارزات سایر محرومان و جوانان کشورهای فوق اختصاص یافته بود. این بیانیه در ماه مه 2011 به امضای مشترک بلوک دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی، کارگران پروژه‌ی سدسازی، کارگران معدن، کارگران اخراجی صنعت گاز شیلی و نمایندگان کارگران حمل و نقل سانتیاگو رسید و منتشر شد. در ضمن با این بیانیه، ما موجودیت "کنفدراسیونی از فدراسیون‌های دانشجویان و دانش‌آموزان شیلی" را که بدنه‌ی آن از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و دانش‌آموزان مدارس عمومی شیلی تشکیل شده بود را هم رسماً معرفی کردیم و به عنوان تنها تریبون مذاکره یا اعلام خبر، بیانیه و اعلام مواضع جنبش اعلام کردیم که تا زمانی که فدراسیون‌ها در اتحاد با هم باشند رسمیت خواهد داشت.

مطالبات ما شامل موارد زیر بود:

- افزایش حمایت‌های دولت از دانشگاه‌های عمومی با افزایش بودجه‌ی آموزشی
- تغییر متد آموزشی و تغییر شیوه‌ی برگزاری امتحان‌ها در مدارس و دانشگاه
- آموزش عمومی رایگان تا بالاترین سطوح بدون فشار به وضعیت اقتصادی خانوادگی
- ایجاد مؤسسات نظارتی غیردولتی توسط اساتید و دانشجویان در کنار مؤسسات نظارتی دولتی برای بررسی کیفیت آموزش، تخصیص بودجه و تغییر قوانین آموزشی و ...
- ترکیب نمایندگان معترضین با گروه برنامه‌ریزی آموزشی برای تغییر اساسی محتوای آموزشی در سطوح مختلف مدارس و مراکز آموزش عالی
- تأسیس یک دانشگاه ویژه که به شناسایی، معرفی و ... خلق تحت ستم ماپوچه یاری رساند. (در متن نهایی خلق ماپوچه و دیگر خلق‌های تحت ستم ذکر شد)
- ایجاد دانشگاه‌های الکتروناتیو در مراکز آموزشی و اماکن عمومی بدون دخالت دولت و با ابتکار عمل فعالین
- کاهش و حذف بودجه‌ی کلیسای کاتولیک شیلی و ممانعت از دخالت این نهاد مذهبی در امر آموزش
- ایجاد سمینارهای ویژه برای کارگران، کارمندان و والدین در محل دانشگاه‌ها و مدارس توسط فعالین جنبش و برگزاری سمینارهای مشابه در محل کارخانه‌ها و ادارات برای دانشجویان و دانش‌آموزان
- عدم ممانعت از ارتباط دانشجویان با کارگران و کارمندان که تبارز آینده‌ی دانشجویان و سیاست‌های آموزشی هستند.

پرسش: همانطور که می‌دانید در بین فعالین چپ و کمونیست و جوانان رادیکال ایرانی تلاش‌های زیادی برای مبارزه بر علیه رژیم اسلامی حاکم بر ایران و برهم زدن مناسبات سرمایه‌داری انجام می‌شود. گرایش‌های مختلف چپ در ایران تلاش می‌کنند تا به نوعی بتوانند به مقوله‌ی اتحاد، تشکیل بلوک مبارزاتی، جبهه و اشکال مختلف همکاری پاسخ دهند. البته این کار آسان نیست و در موارد متعددی به سرعت وارد فازهای سکتاریسم یا همه‌بامی می‌شود و باینکه وضعیت سیاسی ایران با تضادهای حاد و مهمی

در هم تنیده شده ولی این امکان تا اکنون به شکلی موثر فراهم نشده است. تشکلات و نیروهای معدودی از نسل ما همت می‌کنند تا بتوانند الگوهای مناسبی را به فضای مبارزاتی جامعه معرفی کنند و در این راه از طرق مختلف مثل نشریه، صفحات اینترنتی و ... فعال هستند، اما مسأله‌ی دست بردن به واقعیات و حضور در خیابان کماکان دور از دسترس است. به‌عنوان مثال کلکتیو ما در بلژیک به پای مشارکت در ساخت یک فدراسیون جوانان انقلابی با گرایش‌های دیگر رفت، ما وارد فاز تدارک شدید، زمان زیادی صرف کردیم و حتی تشکلی نیز ایجاد کردیم. با اینکه این پروسه برای فعالین جنبش حاوی درس‌های ارزشمندی بود ولی نتیجه‌ی روبه‌جلویی برای نمونه‌سازی در یک جنبش و در سطح کلان نداشت. با این توضیحات شاید بجا باشد که پرسیم تا چه حد با فعالیت جوانان کمونیست و رادیکال ایرانی آشنا هستید؟ آیا با فضای سیاسی و تضادهای مبارزاتی ما آشنا هستید؟

میگوئل: من از طریق شما و پراتیک کلکتیو فعالان با برخی از دستاوردهای جوانان کمونیست ایران در تبعید و برخی پراتیک‌ها در داخل ایران آشنا هستم، ولی صحنه‌ی فعالیت دانشجویان و جوانان در داخل ایران قطعاً تفاوت زیادی دارد و با مشکلات بسیار بیشتری از شیلی همراه است. دولت تئوکراتیک ایران مسأله‌ی بزرگی است که صحنه را ناروشن باقی می‌گذارد و نقش سرمایه‌داری جهانی را در تحولات ایران برای فعالین کم‌رنگ می‌کند یا آنقدر این نقش برای فعالین پررنگ می‌شود که خطر این دولت سرمایه‌داری را نمی‌بینند. تحولات دوران بعد از انتخابات 2009 نیز بازم این را برجسته کرد، همانطور که در دوره‌ی انقلاب 1979 وجود داشت. متأسفانه در میان جوانان نسل جدید اطلاعات زیادی از مبارزات کشورهای دیگر به‌صورت زنده وجود ندارد و عمدتاً اخبار و ارتباطات از طریق اینترنت است، برخلاف گذشته که ارتباطات زنده بود. قطعاً این موضوع از سوی جوانان ایرانی در مورد آمریکای لاتین نیز صادق است. در هر حال از مباحث قبلی میان ما و بررسی اخبار روز، چیز بیشتری برای گفتن ندارم و مطمئن هستم که موضعی ناقص است. اما فکر می‌کنم که فعالیت جوانان کمونیست ایرانی در خارج از ایران می‌تواند بسیار موثر باشد. نظر من این است که شناخت و کسب مدل‌های مختلف سازمان‌دهی و سازمان‌یابی با شرکت در مبارزه‌ی طبقاتی جوامع محل زیست شما، ارتباط مستمر با فعالین کمونیست و آنارشیست به‌ویژه جوانان و مبارزان امروز این جنبش‌ها، تماس با آن‌هایی که در خیابان هستند و در محافل بحث و مطالعه درگیر می‌شوند، نقش گرفتن به عنوان فعالین انترناسیونالیست در این مبارزات کمک زیادی به کسب تجربه و انتقال آن به مبارزه‌ی جاری طبقاتی در داخل ایران می‌کند. انتشار نشریات رادیکال کاری ارزشمند است و ما نیز بی‌صبرانه خواهان اطلاع‌یافتن از مباحث جاری در میان فعالین رادیکال ایرانی هستیم. حمایت انترناسیونالیستی در هرکجای دنیا از مبارزات عادلانه‌ی مردمی می‌تواند نقش موثری در شناسایی ما به همدیگر داشته باشد و پیوند میان ما را فراتر از فراخوان‌های اینترنتی نشان دهد. امیدوارم به‌زودی ارتباطات بیشتری با فعالین ایرانی به‌ویژه جوانان کمونیست و رادیکال داشته باشیم تا درس‌های مبارزاتی شما را در خیابان‌های شیلی بکار بندیم.

از شما ممنونیم و همبستگی انترناسیونالیستی خود را با شما اعلام می‌کنیم و قطعاً اخبار مبارزاتی دانشجویان شیلیایی برای ما درس‌ها و ارزش‌های زیادی به همراه خواهد داشت و پرسش‌های زیادی را نیز برای ما طرح خواهد کرد. تلاش می‌کنیم که این صحبت کوتاه به شکل متن در اختیار جنبش مبارزاتی ایران و فعالین چپ و رادیکال آن قرار بگیرد و شاید به‌زودی ارتباطات بیشتری با فعالین ایرانی بگیرد.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی

تصاویر منتشرشده مربوط به تظاهرات 11 آوریل 2013 و برخی مربوط به سال قبل هستند.

شهاب سیروان – کمیته‌ی جوانان بلژیک 2013-04-17

کمیته جوانان بلژیک

<http://committeebe.blogspot.be/>

committeebe@gmail.com

[facebook.com/committeebe](https://www.facebook.com/committeebe)